

شعر بخون  
نقاشی کن

۴

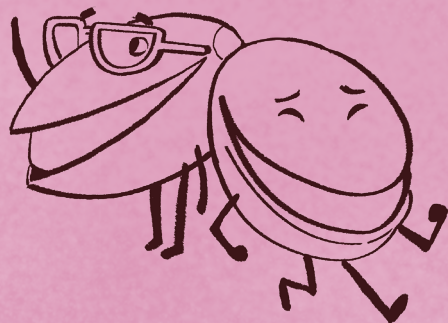
# نقاشی شعر

خط کشیدم پسته شد



ناصر کشاورز

تصویرگر: مهناز سلیمان نژاد



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵

■ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.  
■ استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

[www.hoopa.ir](http://www.hoopa.ir)

[info@hoopa.ir](mailto:info@hoopa.ir)

سرشناسه: کشاورز، ناصر، ۱۳۴۱ -  
عنوان و نام پدیدآور: نقاشی شعر، خط کشیدم پسته شد/ شاعر ناصر کشاورز؛

تصویرگر مهناز سلیمان‌نژاد.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۲۴ص.: مصور(بخشی رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۶۶۱-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: شعر کودکان

Children's poetry

نقاشی و نقاشی‌های کودکان

Children's drawings

رنگ‌آمیزی برای کودکان

Coloring for children

شناسه افزوده: سلیمان‌نژاد، مهناز، ۱۳۶۵، تصویرگر

رده‌بندی دیویی: ۸۱۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۶۰۳۴۶۴

۴

# نقاشی شعر

## خط کشیدم پسته شد

شاعر: ناصر کشاورز

تصویرگر: مهناز سلیمان‌نژاد

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک جلد و متن: شیما هاشمی

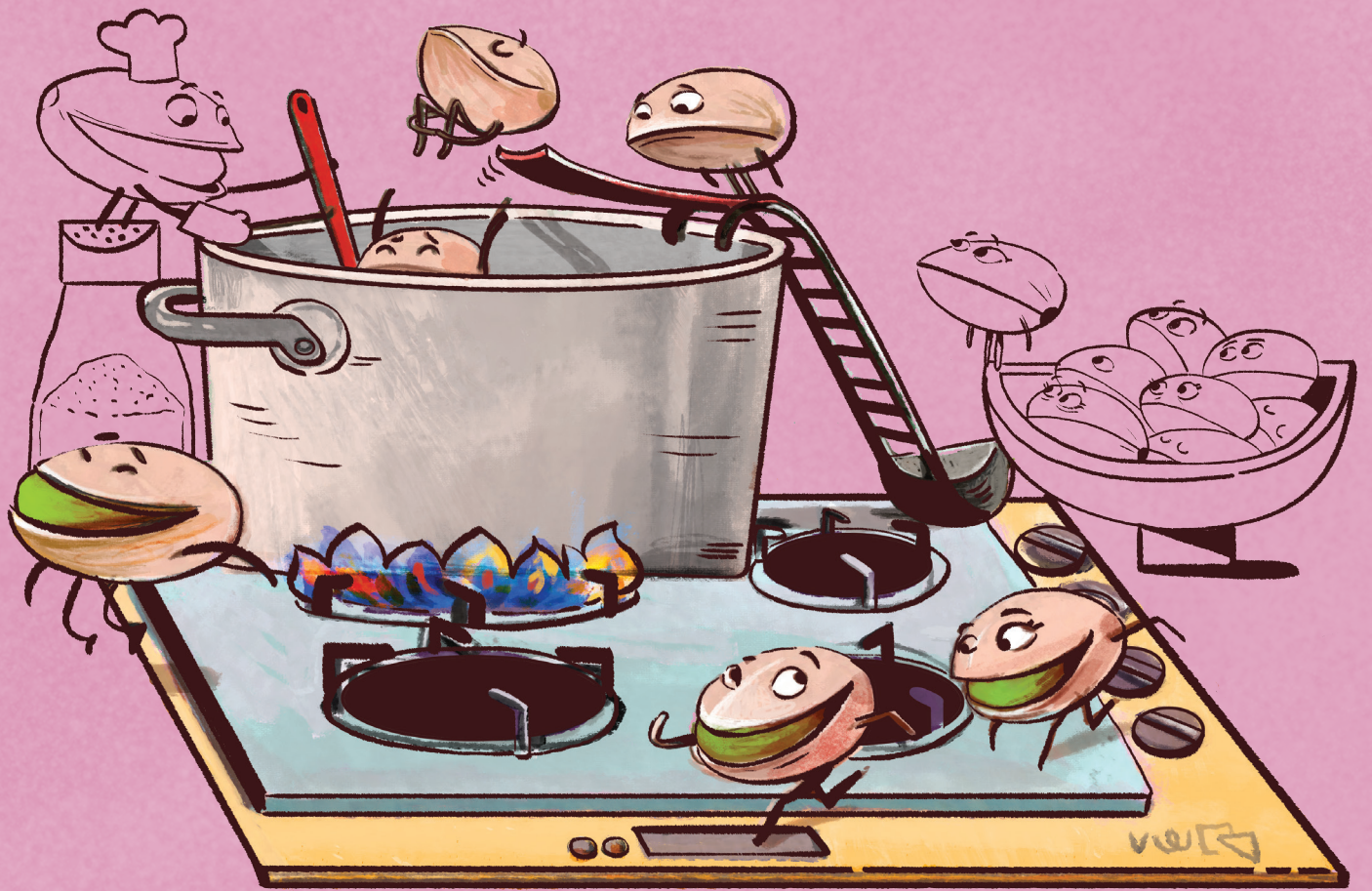
ناظر چاپ: سینا برازوان

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۶۶۱-۳





خط کشیدم هسته شد  
خونه‌ی درسته شد  
رفت وسط باغچه‌مون  
گل خورد با آب بارون  
کم کم درش باز شد  
ریشه داد و سبز شد و دراز شد  
هسته کارش عجیب بود  
توش یه درخت سیب بود



خط کشیدم دونه شد و کاشته شد  
خوشه‌ی گندم شد و برداشته شد  
تو آسیاب آرد شدند گندما  
سوار کیسه اومدند شهر ما  
مهمون نونوا شدند  
خمیر شدند چونه شدند واشدند  
تنور اومد آتیش اومد نون شدند  
سنگک و تافتون شدند



نانوایی سنگلی







خط کشیدم پسته شد  
لباش به هم بسته شد  
دلش می‌خواست آجیلِ مهمون باشه  
پسته‌ی خندون باشه  
پرید توی دیگ داغ  
رو چراغ  
این‌ور و اون‌ورک شد  
خندون و بانمک شد





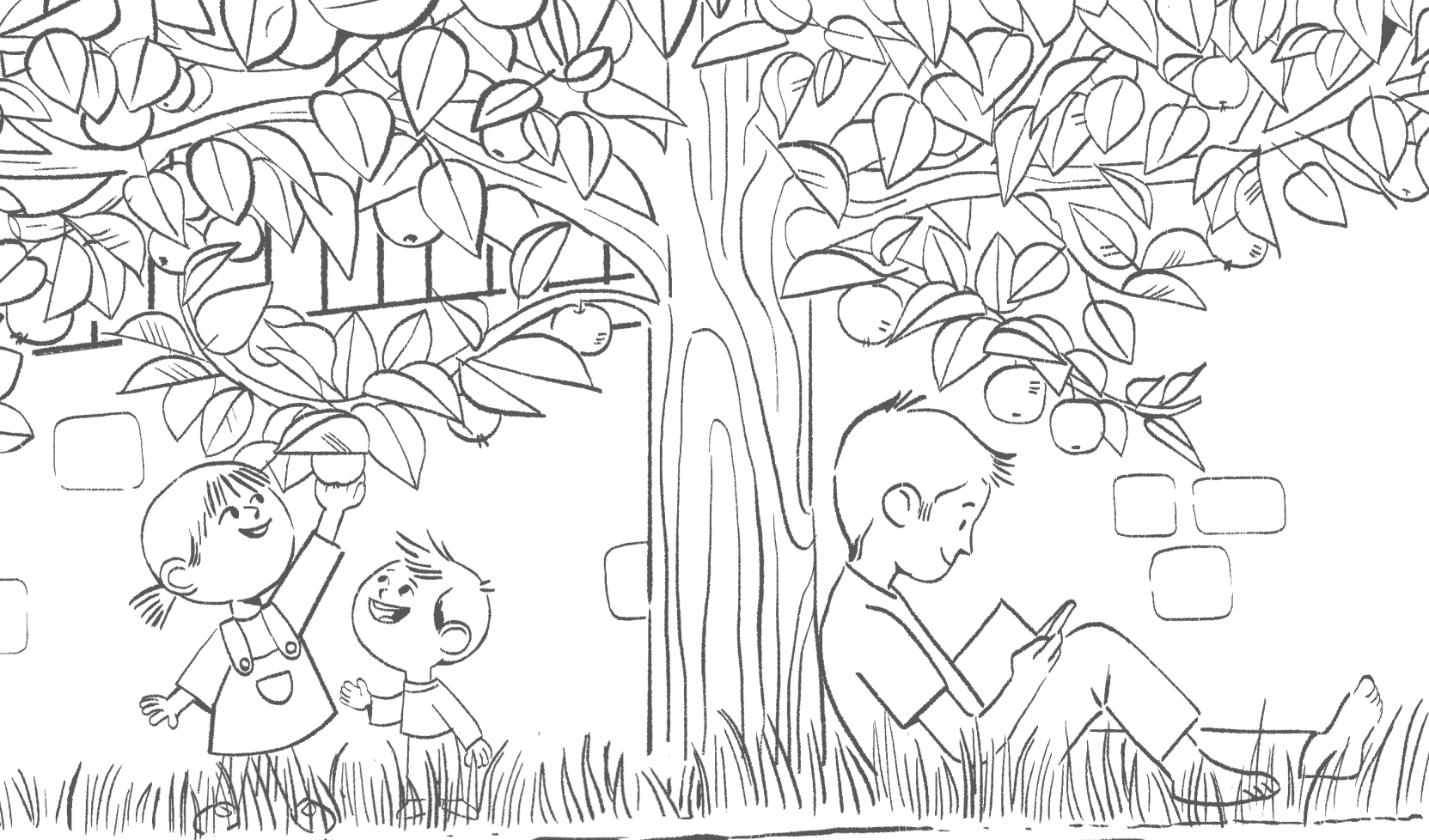
خط کشیدم پیاز شد  
برگاش سبز و دراز شد  
با پای ریشه‌ریشه  
پیرهن شیشه‌شیشه  
اومد تو آشپزخونه  
مامان جونم عاشق بوی اونه  
مامان اونو تمیز کرد  
تو قابلمه ریز کرد  
پلاش پلاش پلاش کرد  
پیاز داغ آش کرد

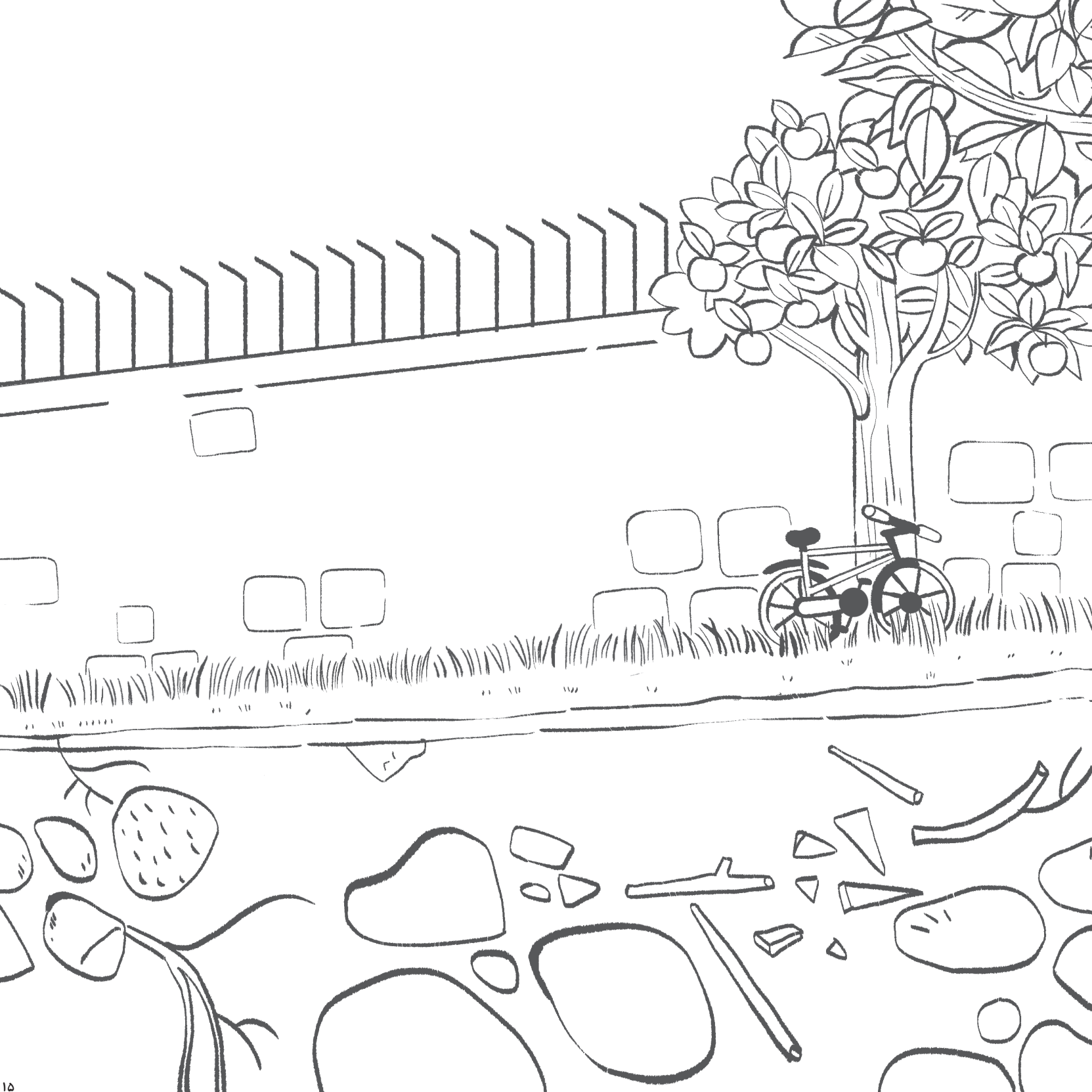


خط کشیدم چرخید و شد تخم مرغ  
نموند پیش مامان مرغ  
یه روز اومد تو خونه  
رفت توی آشپزخونه  
شیکست و بی پوست شد  
با آقای سیب زمینی دوست شد  
رفت توی ماهیتابه زیرورو شد  
یواش یواش کوکو شد







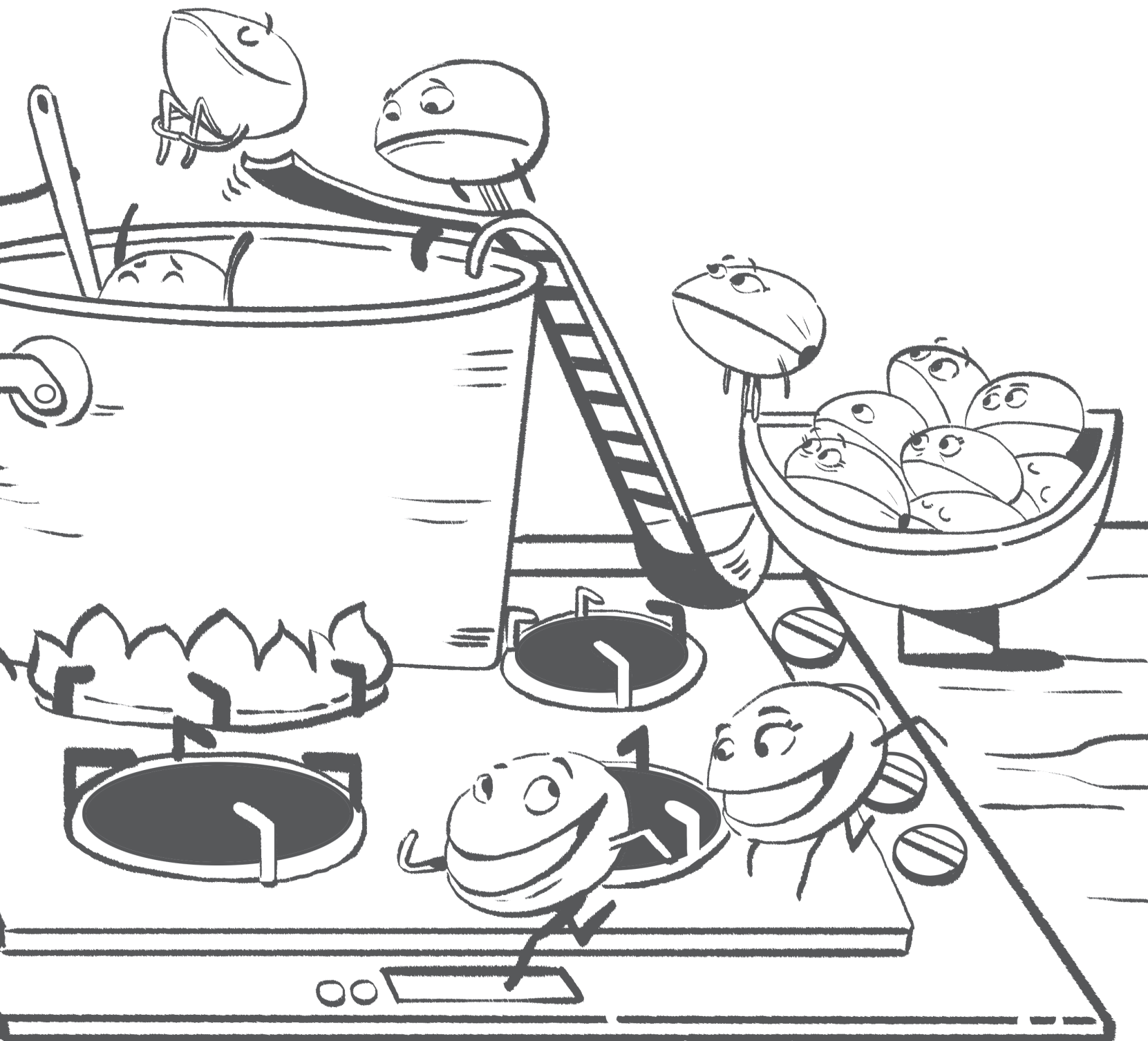


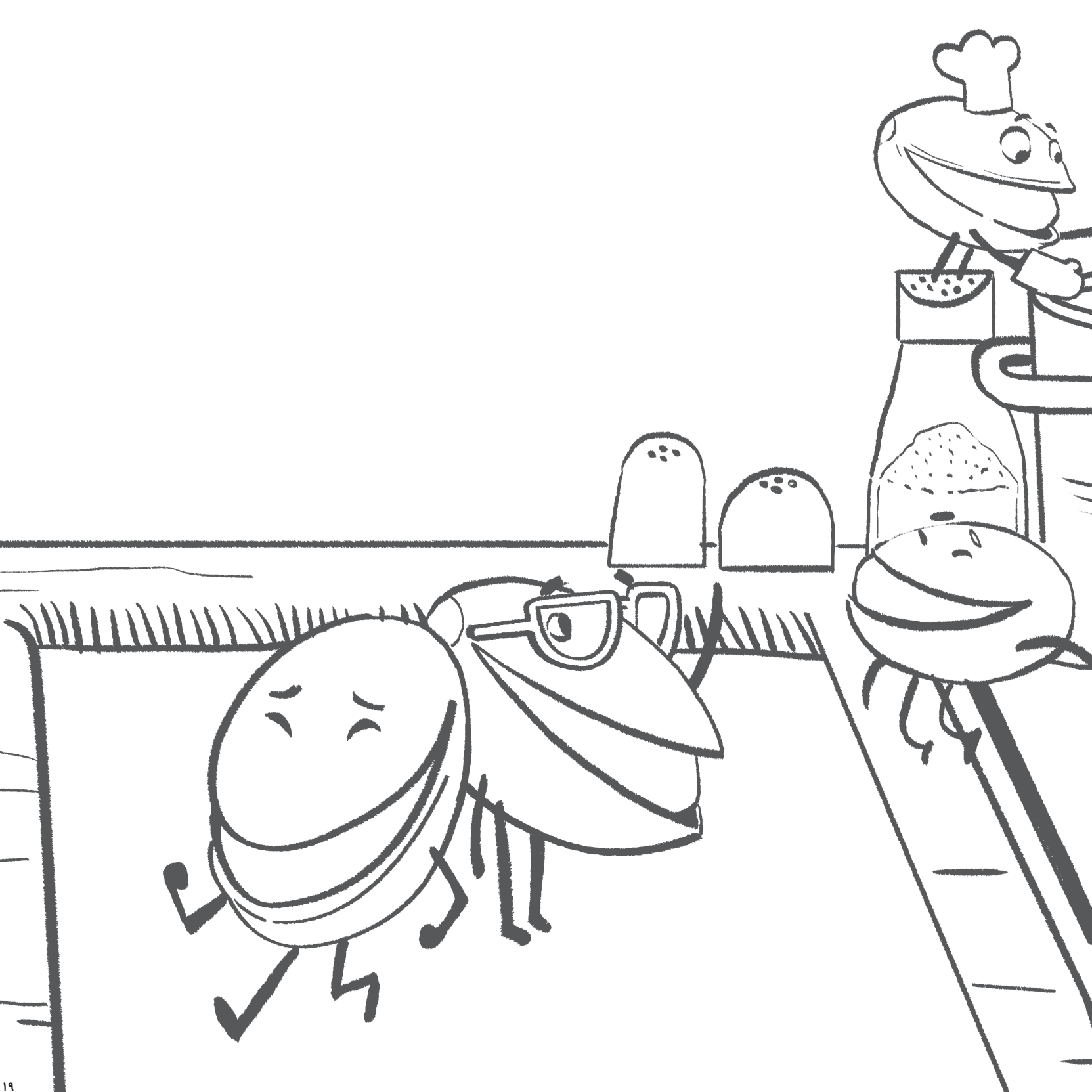




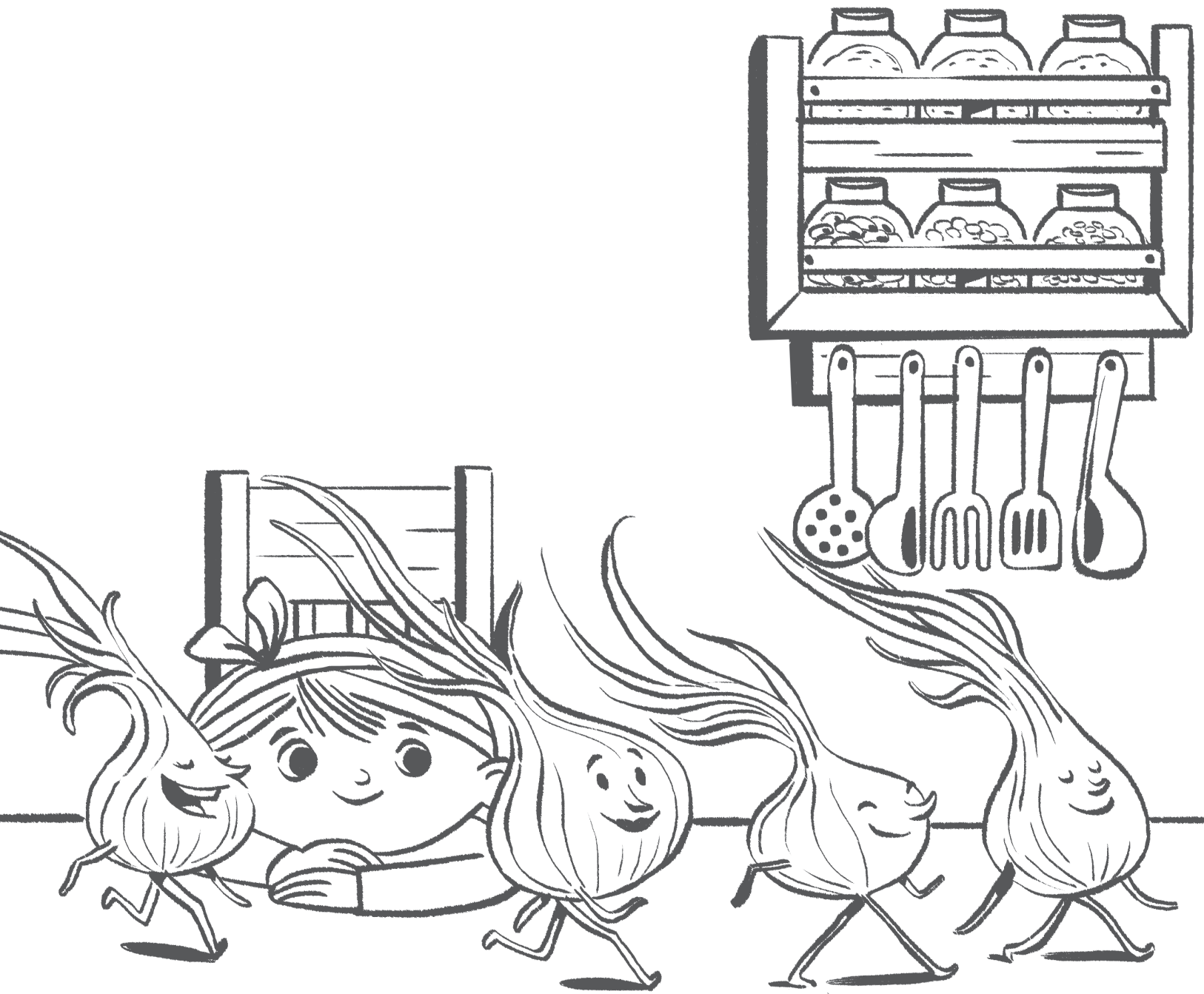
نانوایی سنگلی

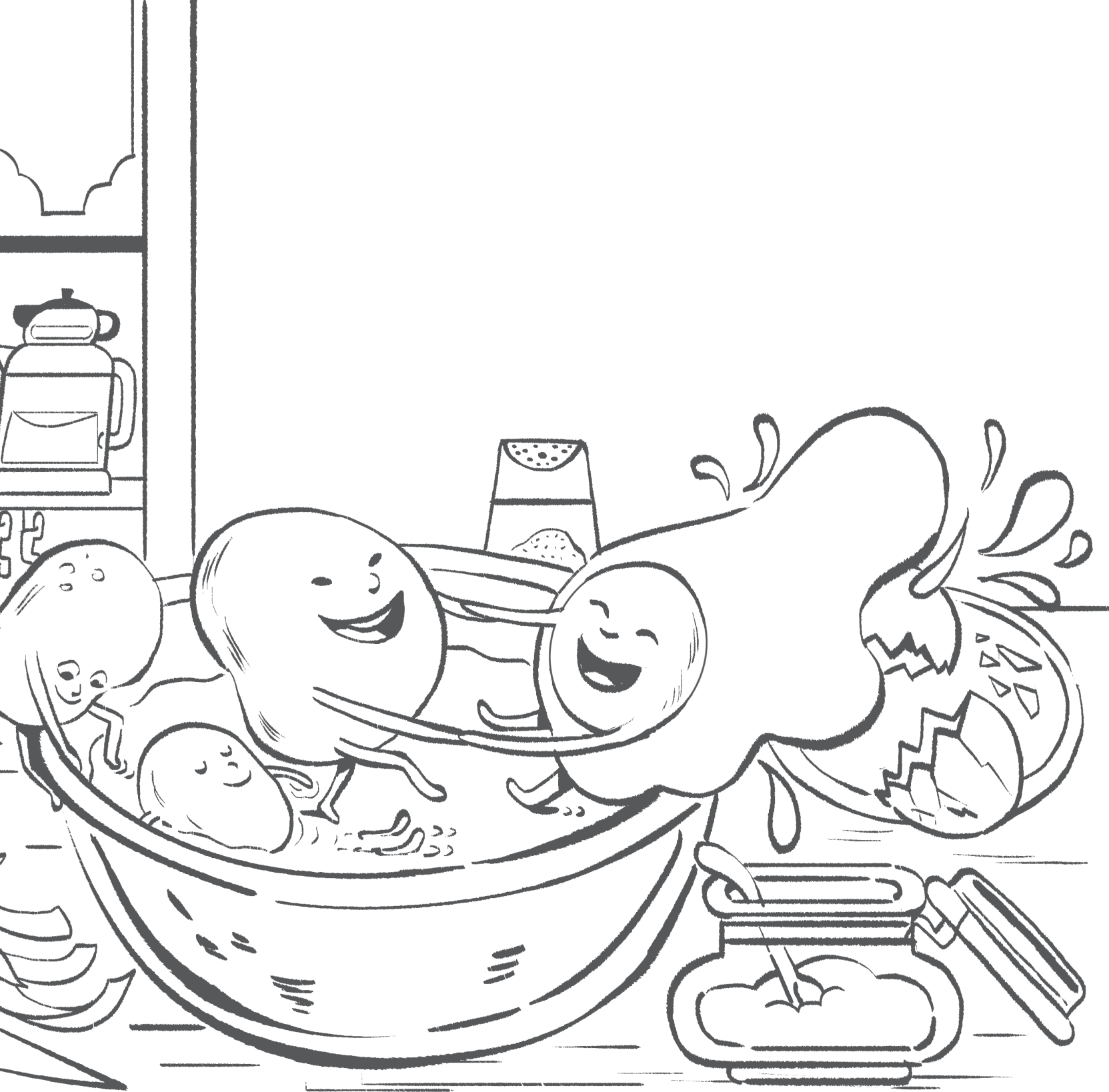


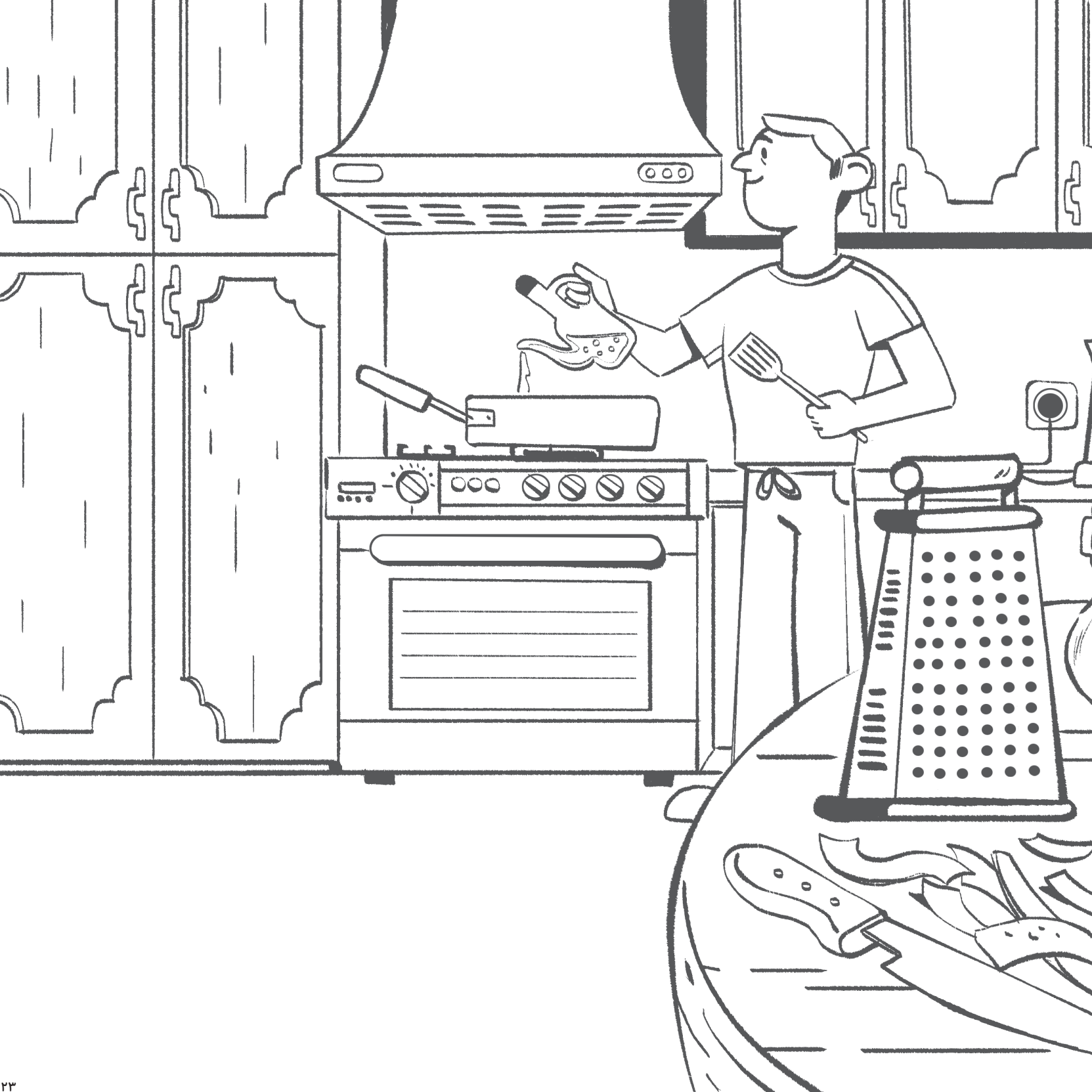












# مجموعه کتاب‌های

# نقاشی شعر

